

چکیده:

امروزه شاهد آنیم که بافت های تاریخی شهرهایمان کارایی و توان خود برای انطباق با نیازهای روز را از دست داده، بهانه ای را در اختیار سودجویان قرار می دهند که تحت عنوان "به روز نمودن" به انجام عملیات سریع و تخریبی در آنها پردازند. اقداماتی که در زمینه بهسازی و نوسازی آنها شکل می گیرند نیز یا صرفاً کالبدی_ فیزیکی و یا با نگاهی تقدس گرایانه و توجه صرف به مسئله حفاظت و عدم مداخله می باشند. بدین ترتیب تنها چیزی که بدان توجه و در نتیجه پاسخ داده نمی شود، نیازهای انسان هایی است که ساکنان و محققان اصلی بافت محسوب می شوند.

حیات شاهی، یکی از زیرمحلله های عودلاجان (از محلات تاریخی پنجگانه تهران)، مانند سایر محلات تاریخی تهران با تنزل روزافزون کیفیت سکونت مواجه می باشد. که در صورت ادامه روند حاضر و عدم توجه به ضرورت باززنده سازی آن، با معضل بی هویتی روبه رو خواهد شد.

از اینرو نگارنده با روشی تحلیلی- توصیفی، در پی آنست تا با پاسخگویی به اهداف خود نظیر احیای ارزش ها و عناصر هویت دهنده ساختار حیات سنتی و برآوردن شرایط مورد نیاز برای سکونت در محله، راه حل هایی را در قالب طرح های ساماندهی، الگوهای اصلاحی و سیاست های راهبردی جهت ارتقای منزلت بافت حیات شاهی در مقام یک محله مسکونی، ارائه دهد.